



University of Tehran Press

## A Framework for Displaced Persons Protection: from the Actions of International Institutions to the International Obligations of States

Mohammad Jasbi<sup>1</sup> | Seyed Mohammad Hashemi<sup>2</sup> | Mohsen Mohebi<sup>3</sup>

1. Ph.D. in Public International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: [dr.m.jasbi@gmail.com](mailto:dr.m.jasbi@gmail.com)
2. Corresponding Author; Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: [dr.sm.hashemi1320@gmail.com](mailto:dr.sm.hashemi1320@gmail.com)
3. Assistant Professor, Department of public and International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: [Sd.mohebi@gmail.com](mailto:Sd.mohebi@gmail.com)

Article Info	Abstract
<p><b>Article Type:</b> Research Article</p> <hr/> <p><b>Pages:</b> 1-27</p> <hr/> <p><b>Received:</b> 2021/11/25</p> <p><b>Received in revised form:</b> 2021/01/25</p> <p><b>Accepted:</b> 2022/05/22</p> <p><b>Published online:</b> ---/--/--</p> <hr/> <p><b>Keywords:</b> <i>Displaced Persons, International Obligations, Support, Refugees, International Institutions.</i></p>	<p>The displacement crisis is one of the serious problems facing the international community in recent years. However, at the international level, there is no binding legal document about them that specifically addresses the status, recognition of the rights of individuals and the obligations of the international community, or the international body specifically responsible for this matter. In addition, this group is not included in the umbrella of the 1951 Refugee Convention, and the possibility of changing or extending its scope to this group does not seem justified. Therefore, the present study seeks to find a framework to support this group, while examining the existing mechanisms. It is concluded that based on the actions of international institutions (in the form of cooperation and partnership between various institutions, Leadership of specific organizations), as well as on the basis of international obligations of states (including commitment to protection arising from the doctrine of R2P; to accept under customary international law; to human security; to the principles of the United Nations Displacement Guidelines) in international law and the international system and Given the general support, provide a framework for the protection of displaced persons and fill the existing gaps to an acceptable extent.</p>
<p><b>How To Cite</b></p>	<p>Jasbi, Mohammad; Hashemi, Seyed Mohammad; Mohebi, Mohsen (2023). A Framework for Displaced Persons Protection: from the Actions of International Institutions to the International Obligations of States. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, -- (--), 1-27. DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.334352.2949">https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.334352.2949</a></p>
<p><b>DOI</b></p>	<p>10.22059/JPLSQ.2022.334352.2949</p>
<p><b>Publisher</b></p>	<p>University of Tehran Press.</p>





## چارچوبی برای حمایت از آوارگان:

## از اقدامات نهادهای بین‌المللی تا تعهدات بین‌المللی دولت‌ها

محمد جاسبی<sup>۱</sup> | سید محمد هاشمی<sup>۲</sup> | محسن محبی<sup>۳</sup>

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: [dr.m.jasbi@gmail.com](mailto:dr.m.jasbi@gmail.com)
۲. نویسنده مسئول؛ استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: [dr.sm.hashemi1320@gmail.com](mailto:dr.sm.hashemi1320@gmail.com)
۳. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: [Sd.mohebi@gmail.com](mailto:Sd.mohebi@gmail.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	بحران آوارگی یکی از معضلات جدی است که جامعه بین‌المللی در سال‌های اخیر همواره با آن مواجه بوده است. با وجود این در سطح بین‌المللی هیچ سند حقوقی الزام‌آوری در زمینه آوارگان که اختصاصاً به تعیین وضعیت، شناسایی حقوق افراد و تعیین تعهدات جامعه بین‌المللی پرداخته و یا نهاد بین‌المللی که به‌طور خاص متولی این امر باشد، وجود ندارد. این گروه در چتر حمایتی کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان قرار نمی‌گیرد و امکان تغییر و یا تعمیم دامنه آن به آوارگان هم وجود ندارد. پژوهش حاضر با هدف یافتن چارچوبی برای حمایت از آوارگان، ضمن بررسی سازوکارهای موجود به این نتیجه رسیده است که می‌توان بر پایه اقدامات نهادهای بین‌المللی (در قالب همکاری و مشارکت بین نهادهای مختلف، تحت رهبری مشخص) و همچنین بر مبنای تعهدات بین‌المللی دولت‌ها (از جمله تعهد به حمایت ناشی از دکترین مسئولیت حمایت؛ تعهد به پذیرش (عدم اعاده) بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی؛ تعهد به ایجاد امنیت انسانی؛ تعهد بر اساس اصول راهنمای آوارگی سازمان ملل؛ تعهد به رعایت و تضمین حقوق بشر) در حقوق بین‌الملل و نظام بین‌المللی و با توجه به حمایت‌های عام موجود، چارچوبی برای حمایت از آوارگان در نظر گرفت و خلأهای موجود را تا حد قابل قبولی جبران کرد.
صفحات: ۱-۲۷	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱	
تاریخ انتشار برخط: ---/--/--	
کلیدواژه‌ها: آوارگان، تعهدات بین‌المللی، حمایت، پناهندگان، نهادهای بین‌المللی.	
استناد	جاسبی، محمد؛ هاشمی، سیدمحمد؛ محبی، محسن (۱۴۰۲). چارچوبی برای حمایت از آوارگان: از اقدامات نهادهای بین‌المللی تا تعهدات بین‌المللی دولت‌ها. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، (---)، ۱-۲۷.
DOI	DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.334352.2949">https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.334352.2949</a>
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.334352.2949
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



## ۱. مقدمه

جابه‌جایی افراد و ترک محل سکونت از گذشته‌ها به‌عنوان راه‌حلی برای انطباق با دگرگونی‌ها یا مقابله با اوضاع و احوال نامساعد بوده است، به‌طوری‌که می‌تواند از عوامل انسانی یا طبیعی نشأت گرفته باشد. از این‌رو گروهی از انسان‌ها برای فرار از شرایط دشوار زندگی از مرزها گذشته و در کشورهای دیگر «آواره» و «پناهنده» می‌شدند. هرچند بسیاری معتقدند که سابقه مهاجرت‌های اجباری انسان به آغاز تاریخ بشریت بازمی‌گردد، اما بی‌شک تشکیل دولت‌ها و سازمان ملل، معضل آوارگی را به دغدغه دولت‌ها و جامعه بین‌المللی تبدیل کرده است (Betts et al., 2008: 60).

تا سده نوزدهم بیشتر پناهجویان به‌دلیل باورها و اعتقادات دینی مجبور به ترک محل زندگی‌شان می‌شدند، اما علل مذهبی پناهجویی با استقلال‌طلبی کشورهای اروپایی و پس از آن جنگ‌های جهانی جای خود را به علل سیاسی داد. در سده بیستم در کنار علل مذهبی و سیاسی، عوامل اجتماعی از جمله بی‌توجهی به حقوق اقلیت‌ها و نقض حقوق بشر از جمله علل اصلی «آوارگی» بوده است (Patricia, 1999: 111). زیرا وضعیت جامعه ممکن است شخص را به‌دلیل عواملی همچون نژاد، مذهب، داشتن عقاید سیاسی یا عضویت در گروه‌های اجتماعی خاص چنان تحت آزار قرار دهد که وی به‌اجبار تصمیم به ترک سرزمینش بگیرد و نتواند از حمایت سیاسی دولت متبوعش بهره‌مند شود، چنین وضعیتی در حقوق بین‌الملل تحت عنوان «پناهندگی» شناسایی شده است. به همین منظور اسناد متعددی در خصوص حق بر پناهجویی و برخورداری از حمایت در دوران پناهندگی تدوین شده‌اند. به‌غیر از عوامل سیاسی، علل دیگری که به افزایش آسیب‌پذیری منجر می‌شود و در نهایت آوارگی افراد را به‌دنبال دارد، می‌تواند ریشه‌های امنیتی (وقوع جنگ بین دولت‌ها و بروز خشونت‌های داخلی، مواجهه با آزار و تبعیض)، اقتصادی (فقر، بیکاری)؛ اجتماعی (عدم دسترسی به آموزش و سایر امکانات)، محیط زیستی (بلایای طبیعی، تغییرات اقلیمی) و ... داشته باشد (Soldberg, 2011: 13).

با توجه به اینکه علل آوارگی با پناهندگی تفاوت دارد، به همین دلیل مفهوم آواره به لحاظ حقوقی با واژه پناهنده یکسان نبوده و بیانگر ماهیت واقعی این گروه نیست. در نتیجه کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان، اشخاصی را که به‌واسطه عوامل دیگر جابه‌جا می‌شوند، حتی اگر موفق شوند که از مرزهای بین‌المللی عبور کنند و به کشورهای دیگر بروند، تحت عنوان پناهنده نمی‌شناسد (کیهانلو، ۱۳۸۶: ۵۶). از این‌رو حمایت از آوارگان و پناهندگان تابع یک نظام حقوقی نیست، چراکه پناهندگان برخوردار از شکل بدیل حمایت توسط سایر دولت‌ها و کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد هستند، اما این مسئله در مورد آوارگان وجود ندارد، درحالی‌که یکی از معضلات جدی جامعه بین‌المللی در سال‌های اخیر - بحران

آوارگی - است. با وجود این در حال حاضر هیچ سند حقوقی الزام‌آوری در سطح بین‌المللی وجود ندارد که اختصاصاً به تعیین وضعیت، شناسایی حقوق افراد در دوران جابه‌جایی و تعیین مسئولیت جامعه بین‌المللی در حمایت از آوارگان پردازد و این گروه فقط از حمایت‌های عام موجود در نظام حقوقی بین‌المللی در شاخه‌های حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری بهره‌مندند که موردی و ناکافی بوده و مستلزم مداخله بیشتر و فعالانه‌تر نظام حقوق بشر سازمان ملل است. بنابراین از آنجا که معضل آوارگی روزبه‌روز ابعاد گسترده‌تری می‌یابد و می‌تواند به بحران بسیار جدی برای جامعه بین‌المللی تبدیل شود، تحقیق حاضر در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که چگونه می‌توان در فقدان یک سند حقوقی الزام‌آور بین‌المللی، چارچوبی برای حمایت از آوارگان در نظر گرفت؟

به نظر می‌رسد در حال حاضر که دولت‌ها از اراده سیاسی به منظور تدوین یک سند حقوقی الزام‌آور در سطح بین‌المللی برای آوارگان برخوردار نیستند و این گروه نیز در چتر حمایتی کنوانسیون ۱۹۵۱ و کمیساریای عالی پناهندگان قرار نمی‌گیرند، بتوان بر پایه اقدامات نهادهای بین‌المللی و همچنین بر مبنای تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل و نظام بین‌المللی و با توجه به مقررات و موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، چارچوبی برای حمایت از آوارگان در نظر گرفت و خلأهای موجود را تا حد قابل قبولی جبران کرد. به همین منظور پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از مطالعات اسنادی سعی دارد تا در قسمت نخست ضمن بررسی مفهوم آواره و وجوه تمایز آن از سایر گروه‌ها و همچنین وضعیت حمایت از آنان در حقوق بین‌الملل و سازوکارهای موجود، به طرح‌ریزی چارچوبی برای حمایت از آوارگان پردازد و در ادامه اجزای چنین چارچوبی را در دو قسمت بعدی، شامل اقدامات نهادهای بین‌المللی در حمایت از آوارگان و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در قبال آنان را بررسی و تحلیل کند.

## ۲. ماهیت آوارگی و وضعیت حمایت‌های حقوق بین‌الملل از آوارگان

به منظور تعیین چارچوب مناسبی برای حمایت از آوارگان می‌بایست ابتدا به تعریفی از آواره و تبیین وجوه تمایز آن از سایر گروه‌ها پرداخته شود تا ماهیت واقعی این گروه مشخص شود و پس از آن بتوان به شکل صحیح‌تری وضعیت حمایت از آوارگان در حقوق بین‌الملل و نظام بین‌المللی و همچنین سازوکارهای موجود را بررسی کرد.

### ۲.۱. مفهوم آواره و تمایز آن از سایر گروه‌ها

کلمه آواره مفهومی جمعی و همه‌گیر است که می‌تواند در ارتباط با هر فردی به کار گرفته شود که بنابر

هر علتی مجبور شده است تا خانه و کاشانه خود را ترک کند و در وضعیت بی‌خانمانی بسر ببرد. از این رو آوارگی می‌تواند به‌عنوان مفهومی گسترده هر مصداقی از جابه‌جایی، انتقال یا مهاجرت اجباری، هم‌جابه‌جایی داخلی و هم فراسوی مرز، صرف‌نظر از علت دقیق و میزان مشارکت دولت را در برگیرد. با این حال آوارگی منحصرراً جابه‌جایی‌های اجباری یا غیرداوطلبانه را شامل می‌شود. جایی که شخصی جابه‌جایی یا مهاجرت اختیاری را برمی‌گزیند، نمی‌توان به آن آوارگی اطلاق کرد (Morel, 2013: 51). بنابراین آواره می‌تواند در مفهوم رایج شامل مهاجران اجباری، پناهندگان، پناه‌جویان، آوارگان داخلی و آوارگان خارجی شود.

## ۲.۱.۱. مفهوم آواره و انواع آن

در مفهوم حقوقی، آواره به افراد یا گروه‌هایی اطلاق می‌شود که به دلایل متعددی همچون جنگ، آشوب‌های داخلی، بلایای طبیعی و مواردی از این دست (مانند قحطی، نقض سیستماتیک حقوق بشر و ...) مجبور به ترک خانه خود هستند و در تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان نمی‌گنجد (Care & Storey, 1995: 153). بنابراین چنانچه افراد جامعه‌ای به دلایل مذکور ناگزیر به ترک کشور خود باشند، این افراد را بدون ارائه دلیل موجه (ترس از مورد آزار قرار گرفتن توسط دولت متبوع) نمی‌توان پناهنده محسوب کرد، بلکه از آنها می‌توان تحت عنوان «آواره» یاد کرد (هاشمی، ۱۳۹۳: ۶۱۱). جمعیت آواره شده ممکن است به داخل یا بیرون از فضای سرزمینی کشور محل سکونتشان نقل مکان کنند. هرچند در مراحل اولیه احتمال عبور از مرزهای بین‌المللی کمتر است، اما به هر حال باید به وضعیت خاص کسانی که به‌واسطه عوامل مختلف ناچار به ترک کشور متبوع یا محل سکونت خود شده و به‌علت ادامه داشتن خطر مایل یا قادر به بازگشت نیستند هم توجه شود. در نتیجه این افراد شامل آوارگان داخلی و همچنین آوارگان خارجی می‌شوند:

**الف) آوارگان داخلی<sup>۱</sup>:** مطابق اصول راهنمای آوارگی داخلی سازمان ملل (۱۹۹۸): «افراد یا گروه‌هایی هستند که در نتیجه بروز مخاصمات مسلحانه، وضعیت‌های خشونت‌بار کلی و عمومی، نقض حقوق بشر یا بلایای طبیعی یا انسانی و یا به‌منظور جلوگیری از آثار و پیامدهای آن، مجبور به فرار و یا ناگزیر به ترک خانه‌ها یا اقامتگاه‌های خود شده‌اند، اما از مرزهای دولت متبوعشان که در سطح بین‌المللی شناسایی شده، عبور نکرده‌اند». نکته حائز اهمیت در تعریف مذکور، وجود دو عنصر کلیدی ماهیت

اجباری جابه‌جایی و ماندن در داخل مرزهای دولت متبوعشان است که معیاری برای تفکیک آوارگان داخلی از سایر گروه‌ها به حساب می‌آید (Mooney, 2004: 9-26).

اساساً حضور در داخل قلمرو یک دولت و خارج از آن، به لحاظ حمایتی تبعات متفاوتی را به دنبال دارد؛ آوارگان داخلی هنوز از قلمرو دولت متبوع خود خارج نشده‌اند تا مشمول حمایت‌های بین‌المللی (جایگزین) شوند، زیرا این حمایت‌ها عمدتاً برای افرادی است که نمی‌توانند بدین منظور به دولت متبوع خود تکیه کنند (فن تیگروم، ۱۳۸۹: ۱۶۴). از این رو مقابله با مشکلات آنان در ابتدا بر عهده دولت‌های مربوطه و به مقررات حمایت از افراد ارتباط می‌یابد و در صورت توانایی دولت متبوع برای حمایت از آنان، نیازی به دخالت جامعه بین‌المللی نیست (Kalin, 2008: 14). با اینکه آوارگان داخلی از یک نظام حقوقی خاص در سطح بین‌المللی برخوردار نیستند، اما در خصوص آنان چارچوب موجود امیدوارکننده‌تر از آوارگان خارجی است، به طوری که حقوق این افراد تابع یک یا چند مورد از موارد ذیل خواهد بود:

۱. قوانین داخلی دولت متبوع آوارگان؛

۲. نظام بین‌المللی حقوق بشر؛

۳. مقررات حقوقی و نهادهای خاصی در مورد آوارگان که در معاهدات صلحی مانند بوسنی و هرزگوین، کوزوو و تیمور شرقی مطرح شده است (Borton et al., 2005: 76-79).

افزون بر موارد مذکور، با اینکه اصول راهنمای آوارگی سازمان ملل از نظر حقوقی برای دولت‌ها الزام‌آور نیست، اما از آنجا که در مطابقت با قواعد اولیه حقوق بشر و بشردوستانه و به منظور تعیین حقوق اولیه آوارگان داخلی و ضمانت حمایت از آنان تدوین شده است، به طور گسترده توسط دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی مورد استفاده و ارجاع قرار می‌گیرد (فن تیگروم، ۱۳۸۹: ۱۵۷). همچنین دولت‌ها در نظام حقوق بین‌الملل تعهداتی (از قبیل تعهد به حمایت و ایجاد امنیت انسانی) در قبال افراد دارند که در مواردی شامل این گروه نیز می‌شود (که بعداً شرح داده خواهد شد).

**ب) آوارگان خارجی<sup>۱</sup>:** به افراد و یا گروه‌هایی گفته می‌شود که به دلایل مشابه آوارگان داخلی (همچون جنگ، آشوب‌های داخلی، بلایای طبیعی، نقض اساسی حقوق بشر و مواردی از این دست) مجبور به ترک خانه و کاشانه خود می‌شوند، با این تفاوت که مرزهای کشورشان را درمی‌نورزند و به کشورهای دیگر پناه می‌برند. در نتیجه این گروه علاوه بر وجود ضابطه اجبار- با عبور از مرزهای بین‌المللی کشورشان- وضعیت و حمایت‌های حقوقی متفاوتی نسبت به آوارگان داخلی پیدا می‌کنند

(قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۳: ۴۲۲). در واقع چنین ضابطه‌ای است که تفکیک حقوقی کامل و روشنی بین آوارگان خارجی با داخلی برقرار می‌کند، چراکه از حمایت دولت متبوع خود محروم می‌گردند. از طرفی به دلیل تفاوت‌های اساسی علل آوارگی با دلایل پناهندگی، تابع حمایت‌های ناظر بر پناهندگان و نظام حقوقی حاکم بر آنان نیز نیست و به‌عنوان گروهی مجزا شناخته می‌شوند. از طرف دیگر، در مورد وضعیت و حقوق این گروه، معاهده بین‌المللی الزام‌آوری وجود ندارد. در نتیجه آوارگان خارجی در بیرون از قلمرو دولت متبوعشان ممکن است با دو وضعیت روبه‌رو شوند:

۱. حمایت جایگزین (که به‌عنوان حمایت بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است)؛
  ۲. وضعیت حمایت بشردوستانه (حمایت ملی اعطاشده به افرادی که شرایط لازم مورد قبلی را ندارند، اما مجاز به اقامت در کشور میزبان به دلایل بشردوستانه‌اند).
- بنابراین وجود بعد بشردوستانه و حقوق بین‌الملل - حتی در آنجا که دولت‌ها می‌کوشند تا با استناد به غیرقانونی بودن مهاجرت اجباری از برخی قواعد و حقوق افراد در نظام بین‌المللی شانه خالی کنند - موجب می‌شود تا آوارگان خارجی مشمول مقررات حقوق بین‌الملل قرار بگیرند. از این رو تعهدات بین‌المللی دولت‌ها (به‌خصوص تعهدات عرفی و حقوق بشری و در مواردی تعهد به حمایت و ایجاد امنیت انسانی) در قبال آنان حائز اهمیت فراوانی است (Goodwin-Gill, 2016: 28).

## ۲.۱.۲. تفاوت آواره با سایر گروه‌ها

آواره معمولاً با گروه‌هایی همچون پناهنده، پناه‌جو، مهاجر و ... اشتباه گرفته می‌شود، درحالی‌که تفاوت‌های بارزی با آنها دارد، از این رو لازم است به تفکیک آواره از سایر مفاهیم مشابه پرداخته شود:

**الف) پناهنده<sup>۱</sup>:** شخصی است که به‌واسطه ترس موجه به دلایل نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی در معرض آزار قرار گیرد، در خارج از کشور متبوعش به سر می‌برد و نمی‌تواند یا بر اساس چنین ترسی نمی‌خواهد که خود را تحت حمایت دولت متبوعش قرار دهد (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۵۶). در تعریف یادشده دو ضابطه مهم وجود دارد که یکی ضابطه آزار و دیگری عبور از مرز است (Koning, 2013: 16). ضابطه عبور از مرز، افراد تحت حمایت کنوانسیون را به پناهجویانی که از مرزهای بین‌المللی گذشته‌اند، محدود کرده و آوارگان داخلی را از حمایت کنوانسیون خارج می‌سازد. هرچند این ضابطه در مواقعی می‌تواند آوارگان خارجی را به‌علت عبور از مرز مشمول عنوان پناهنده کند،

اما از آنجا که دلیل اصلی پناهندگی با علل آوارگی کاملاً متفاوت است، از این رو چنین ضابطه‌ای (آزار) پناهندگان را از آوارگان خارجی تفکیک می‌کند.

**(ب) پناهجو<sup>۱</sup>:** این اصطلاح برای توصیف وضعیت حقوقی حاصل از شکاف زمانی بین تاریخ درخواست پناهندگی توسط پناهجو تا تاریخ تأیید پناهندگی توسط دولت پذیرنده به کار می‌رود. بنابراین وفق مقررات حقوق بین‌الملل، پناهجویان تا زمان مشخص شدن درخواست پناهندگی بر یک مبنای موقت از پاره‌ای حقوق و امتیازات برخوردار شده و تنها با پذیرش آن است که از وضعیت حقوقی پناهندگان بهره‌مند می‌شوند (UNHCR, 2011: para.28). در نتیجه با توجه به اینکه اصل منع بازگرداندن اجباری امروزه جزو قواعد حقوق بین‌الملل عرفی محسوب می‌شود (Allain, 2002: 538)، از این رو تا زمانی که درخواست پناهندگی در حال رسیدگی بوده و فرایند آن به پایان نرسیده، نباید پناهجو از کشور میزبان، اخراج یا بازگردانده شود.

**(ج) مهاجر<sup>۲</sup>:** فردی است که به دلایل عمدتاً شخصی و برای بهبود کیفیت زندگی به قصد یافتن شغل، تحصیل و... کشور متبوع خود را ترک می‌کند. هرچند مهاجران با ترک سرزمینشان وجه اشتراک مشخصی با آوارگان خارجی و پناهندگان پیدا می‌کنند، اما این گروه در زمان خروج همچنان از حمایت دولت متبوعشان بهره‌مندند (شه‌بازی و چهل‌ایرانی، ۱۳۹۵: ۱۷۷). تفاوت مهم دیگر، همان نبود عنصر اجبار است که بر اساس آن می‌توان بین افرادی که به اختیار در پی ارتقای وضعیت اقتصادی و معیشتی هستند (مهاجران اقتصادی) و اشخاصی که به اجبار از وضعیت نامساعد سکونتگاه خود فرار می‌کنند (مهاجران اجباری شامل آوارگان و پناهندگان)، تمایز قائل شد (Priyanca, 2003: 14).

### ۳. حمایت از آوارگان در حقوق بین‌الملل و سازوکارهای موجود

حمایت از آوارگان و پناهندگان تابع یک نظام حقوقی نیست، درحالی‌که پناهندگان برخوردار از شکل بدیل حمایت توسط کنوانسیون ۱۹۵۱ و کمیساریای عالی پناهندگان و جامعه بین‌المللی هستند، اما در مورد آوارگان هیچ سند حقوقی الزام‌آوری در سطح بین‌المللی که به‌طور اختصاصی به تعیین وضعیت، شناسایی حقوق آنان و تعیین تعهدات جامعه بین‌المللی پرداخته و یا نهاد بین‌المللی که به‌طور خاص متولی این امر باشد، وجود ندارد. در نتیجه این گروه در فقدان یک نظام حقوقی حمایتی ویژه، فقط از حمایت‌های عام موجود در حقوق بشر (مانند حق حیات، آزادی و امنیت، عدم تبعیض، منع شکنجه)،

1. Asylum Seeker

2. Migrant



حقوق بشردوستانه (از جمله ممنوعیت تجاوز به حیات، به قحطی کشاندن، جابه‌جایی یا انتقال اجباری) و حقوق کیفری بین‌المللی (مانند ممنوعیت تبعید و یا نسل‌کشی) بهره‌مندند که موردی و ناکافی بوده و مستلزم مداخله بیشتر و فعالانه‌تر نظام حقوق بشر سازمان ملل و دیگر نهادهای حقوق بشری است (جاسبی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۳-۷۱).

بنابراین به‌منظور تعیین چارچوبی برای حمایت از آوارگان می‌توان سازوکارهای زیر را بررسی کرد:

**الف) تدوین کنوانسیون به‌منظور حمایت ویژه از آوارگان:** موضوع طرح‌ریزی یک چارچوب حقوقی الزام‌آور بین‌المللی که به‌طور اختصاصی به حمایت از آوارگان بپردازد، در دهه‌های اخیر توجه جامعه جهانی را به خود جلب کرده است، اما با توجه به عدم اتفاق نظر دولت‌ها در پذیرفتن تعهدات بین‌المللی مرتبط با آنان و نیز وضعیت سیاسی و اقتصادی فعلی که دولت‌ها عمدتاً به‌دنبال محدود کردن تعهداتشان در قبال سایر گروه‌ها هستند، نمی‌توان انتظار داشت که موج‌های عظیمی از آوارگان را مورد شناسایی و حمایت قرار داده و چارچوب حمایتی خاصی در حقوق بین‌الملل برای آنان تعریف کنند، چراکه نیازمند عزم سیاسی و به‌خصوص پشتیبانی دولت‌های توسعه‌یافته است.

**ب) تعمیم دامنه شمول کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان به آوارگان:** این موضوع نیز چندان موجه و امکان‌پذیر به‌نظر نمی‌رسد، زیرا کمیساریا معتقد است کاربرد نادرست از عبارت پناهنده در جایی که جامعه حقوقی برای آن در نظر نگرفته می‌تواند موجب تضعیف رژیم حمایت از پناهندگان شود. رژیمی که به مجرد شناسایی این وضعیت برای شخص در قالب کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان یا کنوانسیون ۱۹۶۹ سازمان وحدت آفریقا و یا اختیاریاً<sup>۱</sup> کمیساریا، مجموعه مشخصی از حقوق را برایش تضمین می‌کند (UNHCR, 2009b: 9). حتی در این زمینه برخی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی پیشنهاد کرده‌اند تا یک پروتکل یا سند متمم به کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان الحاق شده و از این طریق تعریف مندرج در ماده ۱ آن را بازنگری کنند (Yamatomo & Esteban, 2014: 235)، اما کمیساریا معتقد است که هرگونه ابتکاری برای بازنگری در تعریف موجود عملاً راه را برای مذاکره مجدد در مورد تمام متن کنوانسیون باز می‌کند.

**ج) استفاده از حمایت‌های موجود در حقوق بین‌الملل و نظام بین‌المللی:** در حال حاضر که دولت‌ها از اراده سیاسی به‌منظور تدوین یک سند حقوقی الزام‌آور بین‌المللی برای آوارگان برخوردار نیستند و امکان تغییر و توسعه دامنه شمول کنوانسیون پناهندگان به آوارگان نیز وجود ندارد. بهترین راه و

۱. ماده ۹ اساسنامه به کمیساریا اختیار می‌دهد که با دستور سازمان ملل، اقداماتی برای حمایت از آوارگان انجام دهد.

سازوکار منطقی، استفاده بهینه و حداکثری از حمایت‌های موجود در حقوق بین‌الملل و نظام بین‌المللی است. از جمله حقوق بین‌الملل عرفی که متضمن این معناست، برخی اصول و قواعد از سوی جامعه بین‌المللی (دولت‌ها) به‌عنوان تعهدات بین‌المللی پذیرفته می‌شوند، به‌خصوص اینکه تعهدات مربوط به قواعد و مقررات حقوق بشر و بشردوستانه عمدتاً تعهدات عرفی هستند (رستمزاده، ۱۳۸۴: ۳۴). بنابراین به‌نظر می‌رسد بتوان بر پایه اقدامات نهادهای بین‌المللی و همچنین بر مبنای تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل و نظام بین‌المللی و با توجه به حمایت‌های عام موجود در حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، چارچوبی برای حمایت از آوارگان در نظر گرفت و خلأهای موجود در این زمینه را تا حد قابل قبولی جبران کرد.

#### ۴. اقدامات نهادهای بین‌المللی در حمایت از آوارگان

با اینکه نهادهای بین‌المللی گوناگونی به حمایت از آوارگان می‌پردازند، اما در سطح بین‌المللی هیچ نهادی وجود ندارد که به‌طور خاص متولی این امر باشد، زیرا گستردگی ابعاد بحران آوارگی و ناتوانی تک‌تک کارگزاری‌ها در حمایت و مساعدت به چنین گروهی، از حیطة ظرفیتی و مأموریتی یک نهاد فراتر می‌رود. بنابراین نیازمند شکل‌گیری همکاری‌ها و مشارکت‌هایی بین نهادهای متعدد حقوق بشری، بشردوستانه و حتی نهادهای توسعه‌ای، چه در سطح سازمان ملل و چه خارج از آن، تحت هدایت و رهبری یک نهاد بین‌المللی مشخص است. به همین منظور در ادامه اقدامات برخی از این نهادها را که نقش مهم‌تری در حمایت از آوارگان دارند، بررسی می‌کنیم.

##### ۱.۴. سازمان ملل متحد

از جمله اقدامات سازمان ملل، منصوب کردن نماینده ویژه‌ای برای حمایت از حقوق آوارگان به نام «فرانسیس دنگ»<sup>۱</sup> است. وی طی گزارشی به‌منظور ایجاد یک چارچوب نهادی مناسب برای حمایت از آوارگان، سه گزینه را پیشنهاد کرد تا در نهایت رویکرد اشتراکی بین نهادهای مختلف مورد توافق قرار گرفت که توسط یک مکانیزم مرکزی هماهنگ می‌شد. این رویکرد با تقسیم مسئولیت حمایت و کمک‌رسانی به آوارگان بین نهادهای مختلف چنین هدفی را برآورده می‌کرد. همچنین در سال ۱۹۹۷ «نیروی کار بین‌سازمانی آوارگان» جای خود را به «کارگروه آوارگان» داد که شبکه‌ای از مقامات

مرکزی ارشد تمام نهادهای مرتبط سازمان ملل در زمینه آوارگی را تشکیل می‌داد. یکی از پیشنهادهای آن، تأسیس یک واحد کوچک عملیاتی برای هماهنگی امور آوارگی بود که به شکل‌گیری «واحد آوارگی» در سال ۲۰۰۲ منجر شد (Tanner & Stites, 2004: 27).

با این حال رویکرد مشارکتی با مشکلات عمده‌ای همچون کندی عمل، عدم قابلیت پیش‌بینی و پاسخگویی مؤثر، فقدان رهبری لازم و خلأ مسئولیتی در قبال آوارگان روبه‌رو بود که تلاش جامعه بین‌المللی برای بازنگری در نظام پاسخگویی بشردوستانه را به دنبال داشت و موجب شد تا رویکرد دیگری موسوم به «رویکرد گروهی» پا به عرصه ظهور گذارد که در واقع می‌توان آن را نوع دیگری از نظام هماهنگی مبتنی بر بخش، اما این بار تحت هدایت و رهبری سازمان‌های مشخص دانست (IASC, Handbook for the Protection of Internally Displaced Persons, 2010: 44). در این رویکرد، هر بخش تحت رهبری یک نهاد بین‌المللی و یا سازمانی تخصصی در حوزه مربوطه قرار می‌گیرد که این نهاد معمولاً در مقابل هماهنگ‌کننده امداد اضطراری پاسخگو بوده و با رهبری و هماهنگی بخش‌های تحت هدایتش، مسئولیت تضمین سازماندهی و پاسخگویی مؤثر در این حوزه را به‌عهده دارد. از مهم‌ترین نهادهایی که در هر حوزه با توجه به تخصص خود هدایت بخش‌هایی را به‌عهده دارند، می‌توان به کمیساریای عالی پناهندگان، یونیسف، فائو، برنامه جهانی غذا و سازمان جهانی مهاجرت اشاره کرد.

#### ۲.۴. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل

با اینکه کمیساریا بر اساس اساسنامه‌اش، مستقیماً مأموریتی در حمایت از آوارگان ندارد، اما این نهاد نقش گسترده‌ای را در حمایت و یاری‌رسانی به این گروه بازی کرده است. در این زمینه ضروری است که تفکیکی بین دو حوزه از مأموریت کمیساریا قائل شد؛ یک حوزه مأموریت اصلی این نهاد است که به موجب ماده ۶ اساسنامه آن، تنها به پناهندگان اختصاص دارد و حوزه دیگر به مأموریت‌های عملیاتی گسترش‌یافته در گذر زمان مربوط می‌شود که در ماده ۹ اساسنامه پیش‌بینی شده است. در این زمینه کمیساریا عمدتاً به‌واسطه قطعنامه‌های مجمع عمومی و کمیته اجرایی در طول سال‌های اخیر اجازه یافته تا فعالیت‌هایی را در حوزه‌های خاصی که به آوارگان نیز ارتباط می‌یابد در محدوده منابعی که در اختیار دارد، به انجام برساند (Williams, 2008: 510).

بنابراین کمیساریا ملزم به حمایت از پناهندگان و همچنین افرادی که نمی‌توانند از حمایت دولت متبوع خود بهره‌مند شوند، شده است (Miller, 2007: 78). با این حال مشارکت روزافزون این نهاد در وضعیت

آوارگی آن را با مشکل فقدان صلاحیت عمومی در حمایت از آوارگان و انتقادهای وارده از حیث تضعیف نظام پناهندگی از یک طرف و نیاز فوری برای پاسخ به بحران بشردوستانه آوارگی و درخواست‌های مجمع عمومی از طرف دیگر قرار داد. به‌منظور حل چنین مشکلی، در سال ۱۹۹۳ کمیسر عالی یک رهنمود عملی تهیه کرد که حاوی شروطی برای پرداختن کمیساریا به آوارگی بود. در این زمینه مجمع عمومی نیز طی قطعنامه ۵۳/۱۲۵ در سال ۱۹۹۹ نقش کمیساریا را در حمایت و کمک‌رسانی به آوارگان تأیید کرد که چنین نقشی بر مبنای درخواست‌های خاص دبیرکل و یا ارگان‌های ذی‌صلاح سازمان ملل، با رضایت دولت مربوطه و یا لحاظ کردن ماهیت تکمیلی مأموریت و تخصص دیگر سازمان‌های مرتبط باید انجام شده و اقدامات صورت‌گرفته و حمایت از آوارگان نباید به تضعیف نهاد پناهندگی بینجامد. همچنین در سپتامبر ۱۹۹۹ مسئولیت رهبری و هماهنگی گروه‌های مرتبط با آوارگان، در قالب نگرش گروهی در سه حوزه مرتبط با مخاصمه به کمیساریا واگذار شد. در نتیجه حوزه صلاحیت کمیساریا به گروه‌های وسیع‌تری از پناهجویان که از درگیری مسلحانه و دیگر فجایع ساخته دست بشر (مانند جنگ، درگیری مسلحانه داخلی، استعمار، نقض حقوق بشر، تبعید اجباری و ...) گریخته‌اند و همچنین به مهاجران اجباری (از جمله آوارگان و افراد بی‌تابعیت) گسترش یافته است (Zard, 2006: 47-51).

#### ۳.۴. یونیسف

اقدامات یونیسف در زمینه حمایت از کودکان آواره را می‌توان شامل حمایت در مقابل آسیب‌های جسمی و روانی، خشونت، بهره‌کشی، سوءاستفاده جنسی، شکنجه یا اقدامات غیرانسانی و همچنین به‌کار گرفته شدن آنها در نیروهای نظامی دانست. حمایت یونیسف از کودکان دارای مفهوم گسترده‌ای است که نه تنها شامل برآورده کردن نیاز کودکان به خوراک، بهداشت، تحصیل و مراقبت‌های پزشکی، بلکه شامل تلاش‌هایی که با هدف حفظ هویت، ارزش‌های فرهنگی و میراث کودکان صورت می‌گیرد، می‌شود. این سازمان دولت‌ها و طرف‌های درگیر در جنگ را به حمایت از کودکان تشویق کرده و با انجام مذاکراتی درباره آتش‌بس تلاش می‌کند تا کمک‌رسانی به کودکان جنگ‌زده را تسهیل کند (کسمایی، ۱۳۸۸: ۲۵۵).

#### ۴. برنامه جهانی غذا

برنامه جهانی غذا امروزه به‌عنوان بزرگ‌ترین تهیه‌کننده غذا برای جمعیت نیازمند جهان از جمله آوارگان است (4: WFP, WFP's IDP Review, 2000). این نهاد به‌منظور تدارک کمک‌ها و فراهم کردن امکان دسترسی کارکنان بشردوستانه به آوارگان، به شکل فعالانه‌ای وارد مذاکراتی برای ایجاد راه عبور

امن با دولت‌ها و شورشیان شده است (Andrzej, 2009: 97). همچنین در برآورده کردن نیازهای غذایی آوارگان در یوگسلاوی سابق، سومالی، آنگولا، لیبریا، موزامبیک و سیرالئون به ایفای نقش پرداخته است. از این رو می‌توان آن را در کنار کمیساریای عالی پناهندگان و یونیسف به‌عنوان سه سازمان عمده امدادسانی اضطراری در نظام ملل متحد دانست (Cohen & Deng, 2009: 137).

#### ۵.۴. سازمان بین‌المللی مهاجرت

تنها سازمانی با مأموریت ویژه در زمینه آوارگان است که در اساسنامه‌اش به‌صراحت به انجام فعالیت‌هایی به سود آنان اشاره کرده است. حمایت‌های این سازمان از آوارگان، بیشتر در قالب فراهم کردن پناهگاه‌های موقت و همچنین انتقال آنان به اقامتگاه دائمی خویش بوده که این امر بیشتر در مواقعی صورت می‌گیرد که این افراد تمایل به بازگشت داشته باشند، اما به‌دلیل قطع وسایل ارتباطی در زمان جنگ قادر به این کار نیستند. اقدامات دیگر این سازمان در رابطه با آوارگی شامل هشداردهی زود هنگام در زمینه امواج مهاجرتی، ایجاد یک سیستم اطلاعاتی جمعیتی و سرشماری ملی به‌همراه ارائه رهنمودهای تخصصی به دولت‌ها جهت سیاست‌ها و قوانین مهاجرتی است (IOM, Internally Displaced Persons, 1997: 9-13).

#### ۶.۴. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

مأموریت این کمیته، حمایت و حفاظت از زندگی و کرامت قربانیان جنگ و خشونت‌های داخلی و کمک‌رسانی به آنان است. از آنجا که منازعات مسلحانه از دلایل عمده آوارگی است، نقش این کمیته در حمایت از آوارگان با اهمیت و دامنه فعالیت‌های آن بسیار گسترده بوده و در بعضی کشورها تنها نهادی است که اجازه حضور در مناطق تحت کنترل شورشیان را می‌یابد. افزون بر این بر خلاف سازمان‌های بین‌الدولی که با دولت‌ها طرف هستند، این نهاد به‌طور مستقیم در مقابل غیرنظامیان دارای مسئولیت است. با وجود این، کمیته تمایزی بین آوارگان و دیگر افراد برقرار نمی‌کند و آنان را بخشی از جمعیت غیرنظامی می‌داند که از تمامی حمایت‌های بشردوستانه برای غیرنظامیان برخوردارند و تحت شمول مأموریت آن قرار می‌گیرند. این نهاد اقدامات گسترده‌ای برای حمایت و کمک به آنان انجام می‌دهد (Andrzej, 2000: 108) که می‌توان در چهار محور اصلی زیر برشمرد:

۱. حمایت از جمعیت غیرنظامی در برابر آثار مخاصمه: شامل تلاش برای مصونیت جمعیت غیرنظامی، حمایت از کارکنان غیرنظامی، آتش‌بس و تخلیه غیرنظامیان و ایجاد مناطق امن؛
۲. تمرکز بر گروه‌های آسیب‌پذیر: به‌خصوص زنان و کودکان که از جنگ بیشتر تأثیر می‌پذیرند؛

۳. اتحاد مجدد خانواده‌های آواره و پناهنده: از جمله کمک به خانواده‌ها برای برقراری تماس و جست‌وجوی مفقودان، عبور دادن افراد از خطوط مقدم در خلال آتش‌بس؛

۴. اقدامات امدادی در جهت کمک به جمعیت غیرنظامی: از جمله در اشغال غزه، سینا، شمال قبرس که به استناد مواد ۴۷ به بعد عهدنامه چهارم دخالت کرده است (مروت، ۱۳۹۰: ۳۵۴).

فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر که به‌عنوان نماینده رسمی جمعیت‌های ملی است، وضعیت زندگی افراد آسیب‌پذیر را از طریق بسیج نیروی انسان‌دوستی ارتقا می‌بخشد؛ مسئولیت ایجاد هماهنگی و هدایت عملیات کمک‌رسانی بین‌المللی نهضت را بعد از بلایای طبیعی و یا بلایای ناشی از عملکرد انسان و نیز در موقعیت‌های اضطراری بهداشتی به‌عهده دارد و با ترویج ارزش‌های حقوق بشر و بشردوستانه سعی دارد تا با تبعیض و خشونت مقابله کرده و کمک‌رسانی به جمعیت آسیب‌پذیر را تسهیل کند (سیاه‌رستمی، ۱۳۸۹: ۶۴-۷۱).

## ۵. تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در قبال آوارگان

در نظم نوینی که در دوران پس از منشور ملل متحد استقرار یافته، اولویت از آن فرد انسان و حقوق و آزادی‌های خاص اوست. بر این اساس، بشر و حقوق او از نظر حقوقی تقویت شد، کنوانسیون‌های متعدد جهانی و منطقه‌ای در حمایت از حقوق بنیادین بشری به تصویب رسیدند و سرانجام دیوان بین‌المللی دادگستری با اعلام «تعهدات عام‌الشمول»<sup>۱</sup> در رأی خود در قضیه بارسلونا تراکشن در سال ۱۹۷۰ ظهور نظم جدید را به اوج خود رساند. چنین تعهداتی در حقوق بین‌الملل معاصر از غیرقانونی دانستن تجاوز، کشتار جمعی و نیز از اصول و قواعد مربوط به حقوق بنیادین شخص انسان ناشی می‌شود (رستم‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۱-۴۵). این تعهدات جنبه دسته‌جمعی هم دارند؛ یعنی تعهداتی هستند که در برابر گروهی از دولت‌ها که منافع مشترکی دارند، شکل می‌گیرند و معمولاً در حوزه‌های محیط زیست، امنیت منطقه‌ای، حقوق بشر یا حمایت از گروهی از اشخاص یافت می‌شوند (مومنی‌راد و مقامی، ۱۳۹۹: ۲۹۷). در کنار تعهدات عام‌الشمول دولت‌ها، کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات (مواد ۵۳ و ۶۴)، دیوان بین‌المللی دادگستری (در قضایای متعددی) و ماده ۴۰ طرح مسئولیت دولت، از نقض شدید تعهدات ناشی از «قواعد آمره»<sup>۲</sup> سخن به میان آورده‌اند که در ارتباط با ارزش‌های بنیادین مورد حمایت حقوق بین‌الملل و جامعه بین‌المللی هستند، زیرا نظم عمومی بین‌المللی چنان اهمیت حیاتی برای جامعه بین‌المللی در کل

1. Erga Omnes

2. Jus Cogens

دارد که هر عمل مغایر آن (مانند شکنجه)، معتبر نخواهد بود (شایگان و عبدالهی، ۱۴۰۰: ۷۰۱). از این رو نقض‌های شدید ناشی از قواعد آمره نه تنها برای دولت مسئول، بلکه برای تمامی دولت‌ها نتایج جانبی در پی دارد. زمانی این نقض شدید و جدی است که با قصور فاحش یا سازمان‌یافته دولت مسئول در ایفای تعهداتش همراه باشد (سیفی و ابراهیم‌گل، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

با توجه به تغییر جایگاه افراد در نظام حقوق بین‌الملل که بدون تردید بر قواعد حاکم بر آن و از جمله حمایت از افراد نیز تأثیرگذار است، دولت‌ها نمی‌توانند با استناد به اصولی همچون اصل حاکمیت یا ممنوعیت مداخله در امور داخلی از تعهدات بین‌المللی خود مبرا و یا از اقدامات سایر دولت‌ها در تضمین حقوق افراد به‌عنوان بشر مانع شوند. این تغییرات ساختاری در جامعه بین‌المللی موجب شده تا بحث حمایت از آوارگان، پناهندگان و افراد بی‌تابعیت از سوی دولت‌های دیگر مطرح شود که می‌توان آن را ناشی از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق آنان دانست. از این رو امروزه تعهدات دولت‌ها در قبال افراد در زمره تعهدات عام و در برخی موارد آمره به‌شمار می‌رود که نقض هر یک از آنها موجب مسئولیت بین‌المللی در قبال آن شخص و در کل در قبال جامعه بین‌المللی خواهد شد. در نتیجه دولت‌ها در نظام حقوق بین‌الملل و بر اساس اصول و قواعد آن، تعهداتی نیز در قبال آوارگان دارند که مهم‌ترین آنها شامل تعهد به حمایت ناشی از دکنترین مسئولیت حمایت، تعهد به پذیرش (عدم اعاده) بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، تعهد به ایجاد امنیت انسانی، تعهد بر اساس اصول راهنمای آوارگی سازمان ملل و تعهد به رعایت و تضمین حقوق بشر است که در ادامه بررسی می‌شود.

### ۵.۱. تعهد به حمایت ناشی از دکنترین مسئولیت حمایت

مسئولیت حمایت، ارائه راهکاری جدید و برنامه‌ریزی شده به‌منظور این است که جایگزینی مناسب برای مفهوم چالش‌برانگیز «مداخله بشردوستانه» باشد (هاشمی و دعاگو، ۱۳۹۸: ۸۹). در این زمینه گزارش «کمیسون بین‌المللی در زمینه مداخله و حاکمیت کشور» برای ایفای کامل مسئولیت حمایت بر سه فاکتور پیشگیری، واکنش و بازسازی پس از درگیری به‌عنوان عناصر سازنده آن تأکید کرده است. در بحث پیشگیری، حاکمیت و جامعه جهانی باید با شناسایی علل بروز فجایع بشری، راهکارهایی برای اجتناب از وقوع این بحران‌ها در پیش گیرند. از این رو مرحله اول شامل جلوگیری و توقف اقداماتی است که به نقض حقوق بشر در یک کشور منجر می‌شود و سپس شامل ریشه‌یابی و یافتن عوامل مؤثر در درگیری و بحران برای محدود کردن منازعات داخلی است (ICISS Report, paras. 8.28 & 3.1-9). در واقع اصل اساسی در مسئولیت حمایت این است که در سطح نخست (داخلی) حاکمیت کشور ملزم به

حمایت از اتباعش است و در سطح دوم (خارجی) به مسئولیت آن در برابر جامعه بین‌المللی می‌پردازد که عدم ایفای چنین مسئولیتی می‌تواند مجوزی برای مداخله بین‌المللی فراهم سازد (Word Summit Outcome Document, 2005, G.A.RES/60/1).

### ۵.۱.۱. مسئولیت مقامات ملی

مسئولیت حمایت از آوارگان در داخل هر کشور، در وهله اول به عهده دولتشان است که باید به تعهدات حقوق بشری خود در قبال شهروندانش عمل کرده و امنیت آنان را تأمین کند. چنین حمایتی از سوی دولت‌ها به‌عنوان عملکردی حاکمیتی شناخته می‌شود (رکن اول مسئولیت حمایت)، اما گاهی دولت مسئول در حمایت از آوارگان ناتوان است و حتی خود موجب آوارگی آنان می‌شود که در این مواقع نیز نقش جامعه بین‌المللی تنها تقویت‌کننده و مکمل حمایت مقامات ملی است. در واقع دولت‌های دیگر به‌عنوان فرعی بر حاکمیت و نه تحت عنوان نفی حاکمیت مداخله می‌کنند. بدین معنا که سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دارای مسئولیت تکمیلی برای حمایت از افراد بی‌خانمان و تبعیت از موازین حقوق بشر و بشردوستانه به‌منظور پیشگیری از بروز شرایط منجر به آوارگی بوده و تنها در صورت ناتوانی یا عدم تمایل کشور مزبور به ایفای تعهداتش است که این مسئولیت به فعالان بین‌المللی محول می‌شود (Badescu&Bergholm, 2009: 288).

### ۵.۱.۲. مسئولیت جامعه بین‌المللی

مسئولیت جامعه بین‌المللی به موجب سند اجلاس جهانی (۲۰۰۵) و رکن دوم مسئولیت حمایت را می‌توان در قالب تشویق و یاری دولت‌ها به اجرای تعهدات خود بر اساس رکن اول مسئولیت حمایت و کمک به آنها در ایجاد ظرفیت‌هایی برای پیشگیری از جرائم تحت پوشششان بررسی کرد، زیرا جامعه بین‌المللی می‌تواند به اشکال مختلفی دولت‌ها را کمک کند تا بتوانند با پرداختن به دلایل اصلی از وقوع احتمالی آنها جلوگیری کنند. در این زمینه راهبردهای پیشگیرانه، اقداماتی برای ارتقای حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها، ارائه کمک‌های توسعه‌ای به دولت‌ها، پشتیبانی از آنها در به‌زامداری، احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون، میانجی‌گری و تلاش برای برقراری صلح و سازش و یا حتی گاهی در قالب اقدامات تنبیهی می‌تواند صورت گیرد (ICISS, the Responsibility to Protect, Ottawa, 2001: 35). چنین مسئولیتی به موجب رکن دوم مسئولیت حمایت در خصوص آوارگان می‌تواند به شکل مساعدت جامعه بین‌المللی در یافتن راه‌حل‌های پایدار در قالب بازگرداندن به خانه و یا اسکان مجدد در



نقطه دیگری از کشور یا استقرار محلی آنان باشد (Principle 28 of the Guiding Principles on Internal Displacement (UN Doc E/CN/4/1998/53/Add.2)). با این حال هنگامی که پیشگیری بی‌ثمر بماند؛ آنگاه تدابیر کمکی جامعه بین‌المللی تحت رکن دوم مسئولیت حمایت مؤثر نخواهد بود و به موجب رکن سوم، جامعه بین‌المللی از طریق سازمان ملل مسئولیت دارد تا با استفاده از راه‌های مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک (مطابق با فصل ۶ منشور) از مردم در مقابل چهار جنایت یادشده حمایت کند. چنانچه ابزارهای مسالمت‌آمیز ناکافی باشد یا دولتی آشکارا از ایفای مسئولیتش خودداری کند یا به دلایلی توجهی نشان ندهد، جامعه بین‌المللی مسئول است تا از طریق شورای امنیت آمادۀ اقدامات جمعی قاطع و به‌موقع (به موجب فصل ۷ منشور) و همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای (بر اساس فصل ۸ منشور) باشد (G.A.Res/60/1,2005).

## ۵.۲. تعهد به پذیرش (عدم اعاده) بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی

مسئله پذیرش آوارگان در حوزه تشخیص دولت‌ها قرار دارد و آنها از صلاحیت عدم پذیرش آوارگان در کل یا بخشی از قلمرو سرزمینی‌شان برخوردارند. در نتیجه این دیدگاه افراطی که یک دولت موظف به پذیرش همه اتباع خارجی است، مورد حمایت دولت‌ها قرار نگرفته است. با وجود این، امروزه به‌طور کلی از دید قواعد عرفی حقوق بین‌الملل در مورد پذیرش آوارگان باید گفت که دولت‌ها حق ندارند در شرایط عادی و صلح از ورود اتباع یک کشور خاص به سرزمینشان جلوگیری کرده یا از دادن روادید به‌دلیل نژادی یا اعتقادات مذهبی و ... امتناع کنند.

اما در اینجا ممکن است این سؤالات مطرح شود که آیا اصل منع بازگرداندن اجباری افراد در بین دولت‌ها به‌صورت عرفی درآمده و اینکه تعهد به عدم اعاده<sup>۱</sup> که یکی از مبانی حقوق پناهندگان است، در خصوص آوارگان نیز قابل اعمال است؟ برای پی بردن به عرفی بودن منع اعاده و قابلیت تسری آن به آوارگان می‌توان از مفاد سندی که کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی در سال ۲۰۱۸ منتشر کرده است، بهره برد (International Law Commission, 2018). در این زمینه یکی از مهم‌ترین دلایلی که به عرفی بودن این موضوع اشاره دارد، تکرار آن در معاهداتی است که با مشارکت گسترده دولت‌ها همراه بوده است. در این زمینه باید گفت اصل منع اعاده، نه فقط در ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان، بلکه در ماده ۴۵ کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹)، ماده ۳ کنوانسیون

1. Non Return (Non-Refoulement)

منع شکنجه (۱۹۸۴) و ماده ۱۶ کنوانسیون مقابله با ناپدید شدن اجباری (۲۰۰۶) مورد تصریح قرار گرفته است. ضمن اینکه در کنوانسیون آفریقایی پناهندگان (۱۹۶۹) آمده است که نباید هیچ فردی را به واسطه بازگرداندن در مرزها یا اخراج، در وضعیتی قرار داد که مجبور به بازگشت به کشوری شود که آزادی یا حیاتش به مخاطره می افتد (The Organization of Africa Unity Convention Governing the Specific Aspects of Refugee Problems in Africa (1969), Article 2 (3)).

موضوع به انحای مختلف در اسناد بین المللی دیگر مانند کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، کنوانسیون منع گروگان گیری (۱۹۷۹) و اعلامیه کارتاگنا (۱۹۸۴) نیز مورد تأکید قرار گرفته و دولت ها به صراحت این اصل را به عنوان بخشی از حقوق بین الملل عرفی پذیرفته اند و در موقعیت های مختلف التزام خود را به آن اعلام کرده اند. در بسیاری از قطعنامه های سازمان ملل نیز به صورت پیوسته از منع بازگرداندن اجباری (یا به معنای پذیرش) آوارگان و پناهجویان حمایت شده است، به طوری که مجمع عمومی در برخی از قطعنامه های خود از دولت ها می خواهد تا به منع بازگرداندن اجباری به عنوان یک اصل غیرقابل تخطی احترام بگذارند (General Assembly Resolutions, A/RES/51/75, 1997, Para.3; A/RES/52/132, 1997, Para.12; A/RES/57/187, 2001, Para.4).

در قطعنامه تأیید اعلامیه پناهندگی سرزمینی، به صراحت دامنه شمول اصل منع بازگردانی را به منع برگرداندن از مرزها تسری داده است (The United Nations Declaration on Territorial sylum (Security Council Article 3) (1967) شورای امنیت هم بر چنین الزامی بارها صحنه گذاشته است (Resolutions 1456 (2003), 1535 (2004), 1624 (2004)) کمیته اجرایی کمیساریای عالی ملل متحد نیز در تصمیمات خود بارها آن را اعلام کرده و طبق نظر آن، اصل مذکور در سطوح بین المللی و منطقه ای مورد پذیرش عمومی دولت ها واقع شده است (Executive Committee, Conclusion No. 6 (1977); No. 15 (1979); No. 22 (1981); No. 53 (1988), No. 81 (1997), No. 99 (2008), No. 108 (2004)). از این رو نظر به مقبولیت عام اصل منع بازگرداندن اجباری در عملکرد عمومی و اعتقاد حقوقی دولت ها و همچنین با در نظر گرفتن تصمیمات سازمان های بین المللی می توان گفت که این اصل امروزه جزو قواعد حقوق بین الملل عرفی شناخته می شود (Allain, 2002: 538).

ضمن اینکه با استفاده از سازوکار حمایت تکمیلی (موقت)<sup>۱</sup>، این موضوع قابل تسری به آوارگان خارجی نیز است.<sup>۲</sup> بنابراین دولت ها در هر جا که بتوانند صلاحیت مؤثر خود را اعمال کنند، باید به تکلیف منع

1. Complementary Protection (Temporary Protection).

۲. این سازوکار به منع بازگرداندن اشخاصی اشاره دارد که در چارچوب کنوانسیون پناهندگان نمی گنجند، اما دلایل موجهی

بازگرداندن آوارگان متعهد باشند. در نتیجه اگر عدم پذیرش آوارگان و پناهجویان از سوی دولتی موجب شود تا آنان در معرض خطرهایی قرار بگیرند که حیاتشان به خطر بیفتد، در راستای تعهدات حقوق بشری خود نباید به هیچ شکلی آنان را بازگرداند (Luterpacht & Bethlehem 2003: 150).

### ۵.۳. تعهد به ایجاد امنیت انسانی

امنیت انسانی دکترین نوینی است که امنیت افشار آسیب‌پذیر (از جمله آوارگان) را به موضوع مباحث بین‌المللی تبدیل کرده است، زیرا وضعیت‌هایی نظیر جنگ‌های داخلی و بحران‌های بشری و بشردوستانه، جابه‌جایی‌های گسترده افراد و هجوم آوارگان به مرزهای بین‌المللی را به‌دنبال دارد. گزارش برنامه توسعه ملل متحد، امنیت انسانی را دارای دو بعد می‌داند: «نخست، ایمنی از تهدیدات دیرینه چون گرسنگی، بیماری و سرکوب و دوم، در امان ماندن از برهم خوردن ناگهانی الگوهای روزمره زندگی اعم از اینکه در خانه، محل کار و یا جامعه باشد». کمیسیون امنیت انسانی نیز آن را حمایت از «هسته بنیادین زندگی» همه انسان‌ها می‌داند، به گونه‌ای که آزادی‌های انسانی و تکامل بشری را گسترش داده و دربرگیرنده تهدیداتی همچون بیماری، آلودگی، محرومیت و همچنین خشونت فیزیکی هم می‌شود (CHS Commission on Human security, 2003: 9).

اولین و مهم‌ترین عنصر امنیت انسانی، رهیافت انسان‌محوری است که از آن ناشی می‌شود و به معنای تقدم بخشیدن به افراد به‌عنوان موضوع و یا ذینفع اصلی تلاش‌های حقوقی است. به عقیده گروهی، این رهیافت در برخی از زمینه‌های حقوق بین‌الملل از جمله حقوق پناهندگان و آوارگان می‌تواند گام مهمی را برای ارتقای حقوق افراد بردارد و سازگاری بین امنیت انسانی و حقوق بشر را نشان دهد. از دیگر نتایج چنین رویکردی، این است که امنیت افراد جهان می‌تواند به دغدغه و چه‌بسا مسئولیت مشترکی برای همه دولت‌ها تبدیل شود، به گونه‌ای که در بعضی موارد، یک دولت می‌تواند به‌نحوه مشروعی همانند امنیت اتباع خویش، به امنیت افراد در دولت‌های دیگر بپردازد. چنین تفکری در مورد آوارگان بدین معناست که این گروه باید بتوانند از حمایت‌های دولتشان برخوردار شوند، در نتیجه هرگاه دولت مربوطه ناتوان از کمک‌رسانی باشد یا به‌نحوه خود مسئول ایجاد و یا تشدید آن شود، آنگاه حمایت بین‌المللی از آنان در مقابل خطرهایی که امنیت انسانی‌شان را تهدید می‌کند، اهمیت می‌یابد و به دغدغه و مسئولیتی مشترک برای همگان تبدیل می‌شود (فن‌تیگروم، ۱۳۸۹: ۶۸-۱۰۰).

#### ۵.۴. تعهد بر اساس اصول راهنمای آوارگی سازمان ملل

با اینکه اصول راهنمای آوارگی داخلی سازمان ملل (۱۹۹۸)، یک سند غیرالزام آور محسوب می‌شود که بر اساس حقوق عرفی مورد پذیرش دولت‌ها تدوین شده و افرادی را که موفق به عبور از مرزهای بین‌المللی شده‌اند، در برنمی‌گیرد، اما طبق نظر مجمع عمومی سازمان ملل، یک چارچوب مهم بین‌المللی برای حمایت از آوارگان داخلی را تشکیل می‌دهد (Adopted by the General Assembly, 2005: para.132). این اصول منعکس‌کننده و منطبق با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه‌اند و رهنمودی برای دولت‌ها، مقامات، افراد، گروه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی هنگام روبه‌رو شدن با پدیده آوارگی هستند. از ویژگی‌های دیگر اصول راهنما، علاوه بر دولت‌ها در خصوص گروه‌های شورشی نیز قابل اعمال بوده و سه وضعیت متفاوت یعنی تنش‌ها و ناآرامی‌های داخلی، مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی را در برمی‌گیرد. همچنین تنها سندی است که به‌طور منسجم به سه مرحله از بی‌خانمانی (مرحله پیشگیری یا حق بر بی‌خانمان نشدن، مرحله بهره‌مندی از کمک‌ها و حمایت‌ها در دوره بی‌خانمانی و مرحله حل مشکل از طریق بازگشت به خانه و ادغام مجدد در جامعه یا اسکان مجدد) پرداخته و شامل حقوق و تضمیناتی برای تمامی مراحل آوارگی است (Borton et al., 2005: 78).

#### ۵.۴.۱. حمایت در برابر آوارگی

فصل دوم اصول راهنما (اصول ۵-۹) به حفاظت از آوارگان در مرحله پیش از آوارگی اشاره دارد که مطابق با آن، تمام مقامات و نهادهای بین‌المللی به‌منظور پیشگیری و اجتناب از شرایطی که به آوارگی افراد منجر می‌شوند، باید به تعهدات خود به موجب حقوق بشر و بشردوستانه احترام بگذارند. در نتیجه این اصول در ابتدا مجموعه‌ای از اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از آوارگی افراد را ارائه می‌دهد و سعی دارد ضمانتی باشد برای اینکه هر انسانی باید حق داشته باشد تا در مقابل آوارگی اجباری (حق آواره نشدن خودسرانه) مورد حمایت قرار گیرد (فن‌تیگرشتروم ۱۳۸۹: ۱۷۵).

#### ۵.۴.۲. حمایت در خلال آوارگی

فصل سوم اصول راهنما (اصول ۱۰-۲۳) به حمایت از آوارگان در خلال آوارگی اختصاص دارد که دامنه گسترده‌ای از حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر گرفته است. مطابق با این اصول، آوارگان باید در مقابل نسل‌کشی، قتل، اعدام‌های خودسرانه، حملات خشونت‌بار، گرسنگی، تجاوز جنسی، قطع عضو، شکنجه و ... حفاظت شوند. از حقوق دیگر در این دوران، حق کرامت انسانی،

احترام به تمامیت جسمی، روحی و اخلاقی، حق آزادی و امنیت شخصی؛ حق آزادی تردد، حق گزیدن اقامتگاه؛ حق پناهجویی در کشور دیگر، دسترسی ایمن به خوراک، پوشاک، آب و خدمات بهداشتی و ... است (UN Doc E/CN/4/1998/53/Add.2).

### ۵.۴.۳. کمک‌های بشردوستانه

فصل چهارم اصول راهنما (اصول ۲۴-۲۷) به کمک‌های بشردوستانه اختصاص دارد که می‌توان آن را شامل کالاها و خدماتی مانند خوراک، پوشاک، مسکن، آب و مراقبت‌های پزشکی دانست که برای بقای غیرنظامیان از جمله آوارگان ضروری است (Weerasinghe and Ferris, 2011: 27). با توجه به اینکه چنین کمک‌هایی برای بهره‌مندی آوارگان از حقوق اولیه‌شان لازم است، آنان حق دارند تا کمک‌های بشردوستانه را تقاضا کنند و به این علت نباید مورد آزار و مجازات قرار گیرند.

### ۵.۴.۴. حمایت در مرحله پس از آوارگی

فصل پنجم اصول راهنما (اصول ۲۸-۳۰) به حمایت در مرحله پس از آوارگی اختصاص دارد که در این مرحله آوارگان با سه انتخاب، بازگشت به مسکن پیشین، استقرار مجدد در محل آوارگی و یا اسکان مجدد در نقطه دیگری از کشور روبه‌رو هستند. مقامات صالح مسئولیت اولیه فراهم و تسهیل کردن شرایطی را به‌عهده دارند تا آوارگان بتوانند در قالب یکی از گزینه‌های فوق دوباره زندگیشان را بنا نهند (Principle 28 of the Guiding Principles on Internal Displacement).

### ۵.۵. تعهد به رعایت و تضمین حقوق بشر

حقوق بشر جایگاه خاصی در نظام ملل متحد و حقوق بین‌الملل دارد، به‌طوری‌که همواره با عباراتی همچون احترام، تشویق، رعایت، تضمین، حفاظت و حمایت مشخص شده است. در واقع «مجموعه‌ای از حداقل‌های به رسمیت شناخته‌شده جهانی حول محوریت انسانیت، فراتر از عواملی همچون فرهنگ، دین و قوم است که بر کرامت و منزلت انسانی استوار گردیده و صرفاً از این جهت بر بشر تعلق می‌گیرد ... که انسان است ...». از این رو حقوق بشر از مفهوم «شخصیت انسان» یا «انسان بودن» او نشأت گرفته و تجلی بارز کرامت انسان است. علت برخورداری آوارگان از پاره‌ای حقوق هم به‌خاطر انسان بودن آنهاست. به همین منظور حقوق بشر حق‌های گوناگونی برای حمایت از انسان‌ها تدارک دیده است که آوارگان نیز همچون دیگر افراد، در هر شرایطی و بدون هیچ تبعیضی باید از تمام حمایت‌های موجود در آن برخوردار شوند، زیرا

حقوق‌های انسانی، حداقل حمایتی هستند که می‌توانند انسانی بودن زندگی شهروندان را تضمین کنند (سیدفاطمی، ۱۳۹۳: ۱۸۳). بنابراین تعهدات حقوق بشری را می‌توان مجموعه‌ای از تعهدات به‌منظور حمایت حداقلی از حقوق افراد در مقابل صاحبان قدرت به‌ویژه دولت‌ها دانست که اغلب به‌صورت یکجانبه بر دوش دولت‌ها در مقابل اشخاص گذارده شده است. بر این اساس مهم‌ترین ویژگی تعهدات حقوق بشری بر خلاف سایر تعهدات در عرصه حقوق بین‌الملل، در هدف و غایت آنهاست که هدف خود را حمایت از بشر قرار داده‌اند (رستم‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۲-۹۱). این مسئله موجب شده تا امروزه تعهدات دولت‌ها به موجب حقوق بشر محدود به سرزمینشان نشود؛ معاهدات اصلی حقوق بشری به‌طور صریح تعهدات دولت‌ها را هم به افراد واقع در قلمرو یک دولت و هم به افرادی که در قلمرو آن دولت نیستند - بلکه تحت صلاحیت آن هستند - تسری داده‌اند، در جایی که آن دولت کنترل یا اقتدار مؤثر خود را بر افراد اعمال می‌کند (صلح‌چی، ۱۳۹۳: ۱۱۰). چنین برداشتی از صلاحیت موجب می‌شود تا آنها در حوزه جغرافیایی گسترده‌تری ملتزم به رعایت حقوق و آزادی‌های مندرج در اسناد حقوق بشری باشند.

معضل آوارگی نیز اساساً مسئله‌ای حقوق بشری است، زیرا نقض قواعد حقوقی متعدد می‌تواند موجب بی‌خانمانی افراد شده باشد و هم طی مدت آوارگی با خود دامنه گسترده‌ای از نقض‌های حقوق بشری را به همراه داشته باشد. با وجود این، آوارگی هرگز در معرض توجه و تمرکز اسناد حقوق بشری قرار نگرفته است، اما این اسناد دربرگیرنده مواد (عام) هستند که با در بر گرفتن تمام مراحل آوارگی از علل پیدایش آن تا وضعیت‌های آوارگی و در نهایت جست‌وجوی راه‌حل‌های با دوام برای آن، می‌تواند به‌صورت یک چارچوب مناسب برای حمایت از آنان به کار آید. از این رو آوارگان نیز به‌عنوان بخشی از افراد جامعه بشری باید از تمامی تضمین‌ها و حمایت‌های مقرر در نظام بین‌المللی حقوق بشر از جمله حقوق مدنی و سیاسی و همچنین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار شوند. هرچند تعهد دولت‌ها به اجرای حقوق مدنی سیاسی نوعی تعهدی منفی (سلبی) است که الزام به خودداری از تعرض به حقوق بشر را دربردارد، اما اجرای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نوعی تعهد مثبت (اثباتی) بوده و بیانگر وظیفه دولت به توانمندسازی و رفع محرومیت از افراد است که در صورت ناتوانی، این تکلیف متوجه جامعه بین‌المللی خواهد بود.

در نتیجه باید اذعان داشت تعهدات حقوق بشری دولت‌ها از قواعد کلی و عمومی حقوق بشر نشأت می‌گیرد و از سنخ تعهد در برابر همگان است که ریشه در منافع مشترک جامعه بین‌المللی دارد. از این رو دولت محل اقامت باید حقوق اولیه (بنیادین) آوارگان را رعایت و تضمین کند و وظیفه دارد تا آنان را مورد حمایت قرار داده و تبعیضی قائل نشود. افزون بر این اصل جهانی بودن حقوق بشر بیانگر آن است که دولت‌ها اعم از مبدأ، ترانزیت و مقصد همگی در حمایت از حقوق آنان مسئول هستند. بدیهی است

دولتی که این تعهدات را در قبال آوارگان نقض کند، در برابر همگان مسئول شناخته شده و موجبات مسئولیت بین‌المللی برایش فراهم می‌شود، چراکه رعایت حقوق مندرج در اسناد حقوق بشری برای دولت‌ها از جهت حقوق ملی و بین‌المللی یک تکلیف و قاعده حقوقی الزام‌آور است.

## ۶. نتیجه

حمایت از آوارگان و پناهندگان تابع یک نظام حقوقی نیست، درحالی‌که پناهندگان برخوردار از شکل بدیل حمایت توسط کنوانسیون ۱۹۵۱ و کمیساریای عالی پناهندگان و جامعه بین‌المللی هستند، اما در مورد آوارگان هیچ سند حقوقی الزام‌آوری در سطح بین‌المللی که اختصاصاً به تعیین وضعیت، شناسایی حقوق افراد و تعیین تعهدات جامعه بین‌المللی پرداخته یا نهاد بین‌المللی که به‌طور خاص متولی این امر باشد، وجود ندارد. افزون بر این چنین گروهی در چتر حمایتی کنوانسیون پناهندگان نیز قرار نمی‌گیرد و امکان تغییر و یا تعمیم دامنه شمول آن به آوارگان هم چندان موجه به‌نظر نمی‌رسد. همچنین با توجه به وضعیت سیاسی و اقتصادی فعلی، نمی‌توان انتظار داشت که دولت‌ها چارچوب حقوقی خاصی برای آنان در نظر بگیرند. در نتیجه آوارگان فقط از حمایت‌های عام موجود در حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و ... بهره‌مندند که موردی و ناکافی بوده و مستلزم مداخله بیشتر و فعالانه‌تر نظام حقوق بشر سازمان ملل و دیگر نهادهای حقوق بشری است. بنابراین در حال حاضر مؤثرترین سازوکار منطقی، استفاده بهینه و حداکثری از حمایت‌های موجود در حقوق بین‌الملل و نظام بین‌المللی است. از این‌رو به‌نظر می‌رسد که می‌توان بر پایه اقدامات نهادهای بین‌المللی و همچنین بر مبنای تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل و نظام بین‌المللی و با توجه به مقررات و موازین (حمایت‌های عام موجود) حقوق بشر و حقوق بشردوستانه چارچوبی برای حمایت از آوارگان در نظر گرفت و خلأهای موجود در این زمینه را تا حد قابل قبولی جبران کرد.

با اینکه نهادهای متعددی با مأموریت‌ها و دستورکارهای مختلف، با توجه به تخصص و تجربه خود در تلاش‌اند تا به حمایت از آوارگان بپردازند، اما با توجه به گستردگی ابعاد آوارگی، برآوردن نیازها و حمایت از آنان از توان تک‌تک کارگزاری‌ها به دور بوده و از حیطة ظرفیتی و مأموریتی یک نهاد بین‌المللی فراتر می‌رود. از این‌رو نیازمند شکل‌گیری همکاری و هماهنگی بین نهادهای تخصصی متعدد حقوق بشری، بشردوستانه‌ای و حتی نهادهای توسعه‌ای، چه در سطح سازمان ملل و چه خارج از آن تحت هدایت و رهبری یک نهاد بین‌المللی مشخص است. از جمله نهادهایی که در هر حوزه با توجه به تخصصشان اقدامات مهمی را در جهت حمایت و یاری‌رسانی به آوارگان انجام می‌دهند، می‌توان به سازمان ملل متحد، کمیساریای عالی پناهندگان، یونسف، برنامه جهانی غذا، سازمان بین‌المللی مهاجرت و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اشاره کرد.

با توجه به تغییر جایگاه افراد در نظام حقوق بین‌الملل که بدون تردید بر قواعد حاکم بر این نظام و از جمله حمایت از افراد نیز تأثیرگذار است، امروزه تعهدات دولت‌ها در قبال افراد در زمره تعهدات عام و در برخی از موارد امره به‌شمار می‌رود. در نتیجه دولت‌ها در نظام حقوق بین‌الملل و بر اساس اصول و قواعد آن، تعهداتی نیز در قبال آوارگان دارند که مهم‌ترین آنها شامل تعهد به حمایت ناشی از دکترین مسئولیت حمایت، تعهد به پذیرش (عدم اعاده) بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، تعهد به ایجاد امنیت انسانی، تعهد بر اساس اصول راهنمای آوارگی سازمان ملل و تعهد به رعایت و تضمین حقوق بشر است.

تعهدات حقوق بشری را می‌توان مجموعه‌ای از تعهدات به‌منظور حمایت حداقلی از حقوق انسان‌ها در مقابل دولت‌ها دانست، چراکه حقوق بشر بر کرامت و منزلت انسانی استوار شده است. این تعهدات حتی - تحت شرایطی - در حوزه جغرافیایی فراسرزمینی، دولت‌ها را ملتزم به رعایت حقوق و آزادی‌های مندرج در اسناد حقوق بشری می‌کند، زیرا از قواعد کلی و عمومی حقوق بشر نشأت گرفته و از سنخ تعهد در برابر همگان است که ریشه در منافع مشترک جامعه بین‌المللی دارد. با توجه به اینکه آوارگی اساساً با خود دامنه گسترده‌ای از نقض حقوق انسانی را به‌همراه دارد، از این‌رو اسناد حقوق بشری دربرگیرنده موادی (عام) هستند که می‌تواند به‌عنوان چارچوبی مناسب برای حمایت از آوارگان به کار آید. بنابراین دولت محل اقامت باید حقوق اولیه (بنیادین) آوارگان را رعایت و تضمین کند. در نتیجه دولتی که این تعهدات را در قبال آنان نقض کند، موجبات مسئولیت بین‌المللی برایش فراهم می‌شود.

به‌منظور برون‌رفت از چنین بحرانی، تنها شیوه حل معضل استفاده بهینه و حداکثری از حمایت‌های موجود در حقوق بین‌الملل و نظام بین‌المللی است تا آنجا که آوارگان با آسیب‌پذیری خاصی مواجه نیستند و بدون تبعیض و در برابری کامل با سایر افراد از حقوق انسانی بهره‌مند شوند.

## منابع

### ۱. فارسی

#### الف) کتاب‌ها

۱. سیاه‌رستمی، هاجر (۱۳۸۹). *آشنایی با حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. چ اول، تهران: مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال ایران.
۲. شهبازی، آرامش و چهل‌ایرانی، امیر (۱۳۹۵). *حمایت از مهاجران غیرقانونی در حقوق بین‌الملل*، تهران: شهر دانش.
۳. فن‌تیگروم، باربارا (۱۳۸۹). *امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل*. ترجمه اردشیر امیرارجمند و حمید قنبری، تهران: مجد.



۴. قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۹۳). حقوق بشر در جهان معاصر. دفتر ۱ و ۲، تهران: شهر دانش.
۵. کسمایی، علی (۱۳۸۸). سازمان ملل متحد در دنیای امروز. تهران: آبارون.
۶. کیهانلو، فاطمه (۱۳۹۰). پناهندگی: نظریه‌ها و رویه‌ها، چ اول، تهران: جنگل.
۷. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۳). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. چ سوم، تهران: میزان.

## ب) مقالات

۸. جاسبی، محمد؛ هاشمی، سید محمد و محبی، محسن (۱۳۹۹). حقوق آوارگان و تعهدات دولت‌ها در قبال آنان با نگاهی به وضعیت آوارگی در جهان و کشورهای اسلامی. فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۷(۳)، ۵۳-۹۶.
۹. رستمزاده، حسین قلی (۱۳۸۴). جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی erga omnes. تهران، مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۳، ۹-۷۱.
۱۰. سیفی، سید جمال و علیرضا ابراهیم‌گل (۱۳۹۰). «تأثیر اقدامات متقابل در اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت با تأکید بر مسئولیت ناشی از منافع جمعی. مجله تحقیقات حقوقی، ۶ ۱۳۷-۱۸۹.
۱۱. شایگان، فریده و عبدالهی رودمعجنی، مجتبی (۱۴۰۰). کارکرد قواعد آمره در حوزه اعمال یکجانبه دولت‌ها. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۱۱ (۲)، ۶۹۵-۷۱۴.
۱۲. صلح‌چی، محمدعلی (۱۳۹۳). مسئولیت دولت در قبال نقض حقوق بین‌الملل بشر توسط شرکت‌های فراملی. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۶(۴۴)، ۱۰۵-۱۲۸.
۱۳. کیهانلو، فاطمه (۱۳۸۶). مفهوم آزار منتهی به پناهندگی در رویه قضایی کشورهای پناهنده‌پذیر. مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۶، ۳۵-۵۶.
۱۴. مروت، مجتبی (۱۳۹۰). نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در حمایت از قربانیان جنگی. فصلنامه پژوهش حقوقی، ۱۱۳(۳۲)، ۳۲۹-۳۵۸.
۱۵. مومنی‌راد، احمد و مقامی، امیر (۱۳۹۹). ارزیابی اجرای قضیه کنوانسیون منع نسل‌زدایی (گامبیا علیه میانمار) در پرتو تعهدات عام‌الشمول. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۱(۳)، ۲۷۹-۳۱۱.
۱۶. هاشمی، سید محمد و دعاگو، حسین (۱۳۹۸). جایگاه حقوق شهروندی کرامت‌مدار در دکترین مسئولیت حمایت. نشریه پژوهش‌های اخلاقی، ۹(۴)، ۸۳-۱۰۶.

## ۲. انگلیسی

### A) Books

1. Andrzej, B. (2009). *Forced Migration and the Contemporary World Challenges to the International System*. Oxford University Press.

2. Betts, A., Loescher, G., & Milner, J. (2008). *The United Nations High the politics and practice of refugee : (UNHCR) Commissioner for Refugees the protection into 21*. Routledge.
3. Borton, J., Margie, Buchanan, S., & Ralf, O. (2005). *Support Internally Displaced Persons- Lerning from Evaluations*. Published by sida.
4. Care, G., & Hugo, S. (1995). *Asylum Law*. Published by the steering committee of THE JUDICIAL CONFERENCE ON ASYLUM LAW. London.
5. Cohen, R., & Francis, D (2009). *Mass Displacement Caused by Conflicts and One-Sided Violence National and International Responses*. SIPRI Yearbook, Oxford University Press.
6. Goodwin-Gill, G. (2016). *The Refugee in International Law*, Oxford Clarendon Press.
7. Koning, Y. (2013). *Towards a Collective Responsibility to Protect*. master thesis, University Jaume I, Castella;n de la Plana, Spain.
8. Lauterpacht, E., & Bethlehem, D. (2003). *The Scope and Content of the Principle of Non-Refoulement*. Cambridge University Press.
9. Morel, M. (2013). *the Right not to be Displaced in International Law*. Ghent, Ghent University.
10. O'Neil, G. W. (2004). *A New Challenge for Peacekeepers: the Internally Displaced*. Cambridge University Press.
11. Patricia ,T. (1999). *Refugee Rights and Rethinking the Refugee Concept..* edited by ,Evolving International Concepts and Regimes :Realities FrancesNicholson and Patrick Twomey, 106-118 Cambridge :Cambridge University Press.
12. Plaku, M., & Kiss, B., & Gromilova, A. (2012). *Climate refugees in the.21 st century"* Regional Academy on the United Nations.
13. Priyanca, Mature lath (2003). *Internal Displacement and other Forms of Forced Migration: are Refugees and IDPs so Distinct?*. Oxford University.
14. Soderberg, C. (2011). *Human Rights in A Warmer World: The Case of Climate Change Displacement*. Lund University Working Paper.
15. Weerasinghe, S., & Ferris, E. (2011). *Security Council, internal Displacement and Protection: Recommendations for Strengthening Action through Resolutions*. London.
16. Yamatomo, L., and Esteban, M. (2014). *A toll Island States and International Law: Climate Change Displacement and Sovereignty*. Heidelberg, Germany: Springer.
17. Zard, M. (2006). *Towards a Comprehensive Approach to Protecting Refugees and the Internally Displace, in Human Rights and Refugees, Internally Displaced Persons and Migrant Workers*. Martinus Nijhoff Publishers.

#### **B) Articles**

18. Badescu, C., & Bergholm, L. (2009). The Responsibility to Protect and the Conflict in Darfur: The Big Let-Down. *Security Dialogue*, 40, 219-241.
19. Kalin, W. (2008). Guiding Principles in Internal Displacement. Annotations, *Studies in Transnational Legal Policy*, 38, 12-37.
20. Millar, I. (2007). There's No Place Like Home: Human Displacement and Climate Change. *Austlralian International Law Journal* 14, 63-89.

21. Mooney, Erin (2004). The Concept of Internal Displacement and the Case for Internally Displaced Persons as a Category of Concern. *Refugee Survey Quarterly*, 24(3), 1-26.
22. Williams, A. (2008). Turning the tide: recognizing climate change refugees in international law. *Policy & Law*, 4, 502-529.

### C) Documents and Reports

23. CHS, Human Security Now: Protecting and Empowering People, (New York: Commission on Human Security, (2003), p. 9.
24. Draft Conclusions on Identification of Customary International Law, International Law Commission, 2018.
25. Inter Agency Standing Committee (IASC), Handbook for the Protection of Internally Displaced Persons (June 2010), p. 44.
26. International Convention against the Taking of Hostages (1979), Article 9(1).
27. IOM, Internally Displaced Persons: IOM Policy and Programmes, 1997, P. 9-13.
28. New York declaration, UNHCR, Quick guide, last update June 2017. Task team on comprehensive Responses, UNHCR headquarters, Geneva.
29. Principle 1-30 of the Guiding Principles on Internal Displacement.
30. The American Convention on Human Rights of 22 November 1969 Article 22 (8).
31. The Organization of Africa Unity Convention Governing the Specific Aspects of Refugee Problems in Africa (1969), Article 2 (3).
32. The United Nations Guiding Principles on Internally Displaced Persons, 1998.
33. UNHCR Handbook on Procedures and Criteria for Determining Refugee Status under the 1951 Convention and the 1967 Protocol, 2011, para 2.
34. UNHCR (2009b), "Climate Change, Natural Disasters and Human Displacement: a UNHCR Perspective", Policy Papers, Retrieved from <http://www.unhcr.org>
35. United Nations General Assembly, (2005), World Summit Outcome Document: resolution /adopted by the General Assembly, A/RES/60/1.
36. WFP, WFP's IDP Review: WFP-Reaching People in Situations of Displacement, Discussion Paper Version II, Rome, 2000, P. 4.

**References In Persian:****A) Books**

1. Fantigroshtrom, B. (2010). *Human security and international law*. Translated by A. Amirarjmand & H. Ghanbari H, Tehran: Majd Publication ([In Persian](#)).
2. Ghari Seyed Fatemi, S. M. (2014). *Human rights in the contemporary world*. Tehran: Share Danesh Publication, Vol. 1&2 ([In Persian](#)).
3. Hashemi, S.M. (2014). *Human rights and fundamental freedoms*. 3rd ed, Tehran: Mizan Publication ([In Persian](#)).
4. Kasmaii, Ali (2009). *The United Nations in today's world*. Tehran: Abaroon Publication ([In Persian](#)).
5. Keyhanlou, F. (2011). *Asylum: Theories and Procedures*. 1st ed, Tehran: Jangal Publication ([In Persian](#)).
6. Shahbazi, A., & Chehelirani, A (2016). *Protection of illegal immigrants in international law*. Tehran: Shahre Danesh publication ([In Persian](#)).
7. Siahrostami, H. (2010). *Introduction to international humanitarian law*, 1st ed, Tehran: Moasese Amoozsh Ali Elmi Karbordi Helal Iran Publication ([In Persian](#)).

**B) Articles**

8. Hashemi, S. M., & Doagoo, H. (2019). The Status Of Civil Rights Based On Dignity In The Doctrine Of Responsibility To Protect In The Light Of International Law. *Ethical Research*, 9(4), 83-106 ([In Persian](#)).
9. Jasbi, M., Hashemi, S. M., & Mohebi, M. (2020). The rights of the displaced and the obligations of the governments towards them by looking at the situation of the displaced in the world and in the Islamic countries”, *Quarterly Journal of Comparative Study on Islamic and Western Law*, 7(3), 53-96 ([In Persian](#)).
10. Keyhanloo, F. (2007). The concept of harassment leading to asylum in the jurisprudence of asylum-seeking countries. *International Law Review An Academic Journal*, 36, 35-56 ([In Persian](#)).
11. Momenirad, A., & Maghami, A. (2020). Evolution of the Case of Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Gambia v. Myanmar) in the Light of Erga Omnes Obligations”, *Journal of Legal Studies*, 12(3), 279-311 ([In Persian](#)).
12. Morovvat, M. (2011). The role of the International Committee of the Red Cross in supporting victims of war”, *Public Law Research*, 13(32), 329-358 ([In Persian](#)).
13. Rostamzade, Hossein Gholi (2005). “International community and international erga omnes obligations. *International Law Review An Academic Journal*, 33, 9-71 ([In Persian](#)).
14. Seifi, S. J., & Ebrahimgol, A. (2011). The effect of reciprocal actions in the implementation of the international responsibility of the government with emphasis on the responsibility arising from the collective interests. *Legal Rsearch Quarterly*, 6, 137-189 ([In Persian](#)).
15. Shaygan, F., & Abdollahi, M. (2021). Functioning of jurisprudential rules in the field of

---

unilateral actions of governments”, *The Public Law Studies Quarterly*, 11(2), 695-714 (In Persian).

16. Solhchi, M. A. (2014). Government liability for violations of international human rights by transnational corporations. *Public Law Research*, 16(44), 105-128 (In Persian).